

بسم الله الرحمن الرحيم

## نکاتی در رابطه با نقد امید بهروزی

۱- حق نقد عمومی است و هر کسی میتواند مطالب و دیدگاههای سماء و غیر سماء را نقد کند، و اگر نقدها به جای تهمت زنی و فحاشی، توضیح دهنده و معلومات دهنده باشند، بحال همگان مفید خواهند بود، و سماء هم میتواند از نقدهای روشنگر و مؤثر استقبال کند و آنها را بررسی نماید.

۲- آقای بهروزی میبایست مسئله لائیسیته از دیدگاه سماء را جدی تر نقد کند و مطالب مورد نقد را «هم دقیق نقل کند و هم جملات را کامل بیاورد نه بریده» . جهت مقایسه و اندازه امانتداری ناقد، مطلب نقد شده، ذیل همین نکات درج میشود و خوانندگان خود داوری کنند.

۳- آقای بهروزی از لحن سماء انتقاد کرده و آرزو نموده که کاش چنین لحنی وجود نمیداشت، تا به زعم ایشان امکان درک مطالب سماء بیشتر میشد. ایشان میگوید لحن سماء لحنی عصبانی است!، اما سماء این را قبول ندارد. ادبیات سماء یک ادبیات فکری-سیاسی است، و علاوه بر اینکه تحلیلی و استدلالی و مستند است، حرکت دهنده و دعوت گرانه است. کار سماء نویسندگی صرف نیست و بلکه جهت دهنده و در عین حال آگاهی بخش و توان آفرین است، و اصطلاحات مورد استفاده سازمان موحدین آزادیخواه ایران، مسئولانه و منطبق با اهداف اساسی و نهایی است. و ادبیات سماء حتی در رابطه با تهمت زنان و فحاشان هم متعادل و منطبق با اصول سماء است. و برخورد اهل عداوت و جواب سماء که اکثر آئینی بر اغماض و نادیده گرفتن بوده و گاهاً بدانها عکس العمل نشان داده شده در همین راستاست. برای درک بیشتر ماهیت ادبیات سماء خوانندگان را به مطالعه متون سماء فرامیخوانیم. ( بگذریم از اینکه ادبیات تحت سلطه گان و غارت شدگان و آواره شدگان که سلب وطن و جامعه و فرهنگ و همه چیز شده اند، حق دارند که عصبانی و تند و تیز باشند و آماده اعاده حقوق غصب شده شان گردند. و طبیعت ادبیات محروم شدگان و به تبع آن افکار و عملکردشان صریح و قاطع و به قولی انقلابی و انقلاب آفرین است. خصوصاً محروم شدگانی که خرد شدگی و پایمال شدگی خود را درک و حس کرده باشند. و برخورد تند و قاطع با پایمال شدگی و خرد شدگی و له شدگی همه جانبه، مطابق ذات طبیعت و موافق قوانین الهی است. بی خود نیست که میگویند مستضعفین و محروم شدگان و اقشار له شده و پایمال شده انقلابی و

اهل قیام هستند ) .

۴ - آقای بهروزی در نقد مطلب سماء حد اقل در یک مورد انضباط نقد را زیر پا گذاشته است . در حالی که اگر در مطلب مورد نظر دقت میکرد که به جدا سازی تحمیلی اسلام و مسلمین از سیاست و حکومت از طرف استعمار و امپریالیسم و نظامهای استبدادی اشاره دارد ، سماء را بیدلیل به خود بینی و خودمحوری متهم نمیکرد . مطلبی که اصلاً ربطی به نفی و اثبات ادیان دیگر!! ندارد . ایشان دعوت به دگر بینی میکند اما خود را فراموش میکند . آقای بهروزی میتواندست با توجه به یک هلال و پرانتز واقعی این همه حساسیت نشان ندهد. اینکه سماء میگوید منظور استعمار و امپریالیسم و نظامهای استبدادی از قضیه جدایی دین از سیاست ، دین اسلام است اینقدر عجیب نیست . مگر غیر از اینست که به جز اسلام و مسلمین در عصر حاضر ، هیچ دین و پیروان هیچ دینی ، چنین ادعایی و چنین زمینه و توانی نداشته و حتی شریعتی ندارند . اصلاً در عصر حاضر به جز اسلام و مسلمین چه دین و پیروان چه دینی مدعی حکومت و قانون و سیاست هستند . احزابشان کجاست؟ شریعتشان کجاست؟ جامعه شان کجاست؟ آخر نباید ما هم چیزی بشنویم؟ چرا اینهمه حساسیت؟ اگر دینی به غیر از اسلام مدعی حکومت و قانون است ، اگر پیروان دینی به غیر از مسلمین مدعی حکومت دینی و حاکمیت قوانین دینی هستند لطف کنید آن را به ما هم نشان بدهید؟! و حتی اگر فکر و عقیده و جامعه‌ای متفاوت از غرب وجود دارد به ما نشان بدهید؟! ، واقعیت اینست که ما در حال حاضر دو فکر ، دو فرهنگ ، دو جامعه ، و دو حکومت داریم : یکی غربی (مادی ) است که استعمار و امپریالیسم آن را قبضه کرده اند و به کمک زمینه های موجود در غرب جهان را هم تحت سلطه خود در آورده اند ، و دیگری اسلامی و توحیدی است که در حال مقابله با استعمار و امپریالیسم و نظامهای استبدادی است و میخواهد آزاد شود و خود را مجدداً ارائه دهد .

همه میدانیم که شعار و ندای جدایی دین از سیاست و حکومت و اجتماع و اقتصاد و حزب و از کل زندگی!! از غرب و غربیان و دول استعماری و امپریالیستی میآید ، اما مخاطبان این ندا و شعار در غرب نیستند و دلیل و موردی هم وجود ندارد که مخاطبان آن ، مردم غرب و یا جای دیگری باشد . ندا و شعار جدایی دین از سیاست و حکومت و ... از غرب میآید اما مخاطب اسلام و مسلمین و کشورها و جوامع اسلامی هستند . ولی چون این ندا و شعار ناشی از یک سیاست ماکیاولی و

سلطه گرانه و غارتگرانه و استعماری و امپریالیستی و استبدادی و خلاف واقعیت، دین اسلام و فرهنگ اسلامی و تاریخ مسلم اسلامی و متضاد با کل آیات قرآن است، بلا اثر میماند و خریدار و مشتری پیدا نمیکنند. دین اسلام دین حکومت و قانون و اجراء است و از مسلمین میخواهد که بر اساس آیات قرآن عمل و زندگی و حرکت کنند و غیر از اسلام را نپذیرند. و چون غرب و استعمار و امپریالیسم دست بردار نیستند، نظامهای استبدادی دست نشانده ضرورت پیدا میکنند و اسلام و مسلمین را میخواهند به زور سلاح و استبداد دست نشانده از سیاست و اجتماع جدا سازند!! و همین زورگویی است که امروزه یک مبارزه وسیع و در سطح ۶۰ کشور و جامعه اسلامی را بوجود آورده است و این مبارزه و قیام رو به گسترش است. حقا که اسلام و مسلمین در عصر حاضر نیروی اصلی آزادیبخش جهان هستند و امید اصلی بشریت در برابر استعمار و امپریالیسم و نظامهای استبدادی دست نشانده میباشند، و همین است که این اضداد بشریت تنها از تروریسم اسلامی نام میبرند و غرب و دست نشاندهانش پیروان هیچ دینی را متهم به ارهابی (تروریست) نمیکنند، چون فکر و دین و جامعه و فرهنگ دیگری را در مقابل خود نمی بینند و اگر چیزی وجود داشت از تبلیغات سمی روی آن دریغ نمی کردند.

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۷ شعبان ۱۴۲۲ - ۲ آبان ۱۳۸۰

## نظام لائیک (عرفی) و حکومت دمکراتیک (مردمسالار)

درباره نظام لائیک و حکومت دمکراتیک، بحث و بررسی زیادی صورت گرفته و مخصوصا از طرف استعمار و امپریالیسم و استبداد دست نشانده، کار زیادی روی آن شده و تحریفات عمیقی در آن ایجاد گردیده است، و در رأس همه، امپریالیسم خبری بسیار کوشش نموده که: اولاً، لائیسیت و دمکراسی را بنابر طرحهای استعماری و امپریالیستی تبلیغ و معرفی کند. ثانیاً، نظامهای مادی و ماکیاولی غربی را بعنوان تنها شکل نظام لائیک و دمکراتیک به جهانیان تلقین و تحمیل نماید. (۲۲)

حتماتاً حال جامعه ایران و دیگر جوامع به این نتیجه رسیده اند که چرا دولتهای استعمارگر و امپریالیست و سرمایه داران غارتگر و جهانخوارشان، به زبانهای ایرانیان و زبانهای دیگر جوامع سوخته و غارت شده، برنامه های رادیویی و تلویزیونی پخش میکنند و روی این برنامه ها، این همه پول و سرمایه و نیروی انسانی صرف می کنند؟، و حتماً "جوامع تحت سلطه و غارت شده به این

نتیجه دست یافته اند که تمام این برنامه های رادیویی و تلویزیونی در راستای اختلال و سلطه گری و غارتگری بیشتر تهیه و پخش میشوند ، و استعمارگران و امپریالیستها میخواهند تمام مردم دنیا بر اساس تفسیر و تحلیل و اخبار و داده های آنها به جهان و حوادث آن نگاه کنند و تنها راه شناخت جهان انسان، اجتماع، سیاست ، اقتصاد، علم ، اخلاق و... از راه آنها و از دیدگاه آنها دست یافتنی باشد ، و امپریالیسم خبری همین است .

همه میدانند که استعمار و امپریالیسم همه چیز را قبضه کرده اند و به تصرف خود در آورده اند و امپریالیسم خبری بوسیله تبلیغ و تلقین سیاستها و طرحهای استعماری و امپریالیستی و نظام لائیک (عرفی) بر اساس فرهنگ و عرف و اخلاق جامعه بوجود می آید و عقاید و خواستههای اجتماعی را نمایندگی میکند و همه این اصول مردمی ، اساس قوانین کشوری و حکومتی قرار می گیرند و یک نظام ((خودی)) و برای خدمت به جامعه خود را تشکیل می دهند . اما با وجود این واقعیت ، استعمارگران و امپریالیستها و مستبدین دست نشانده ، نظام لائیک را نظامی تبلیغ و معرفی میکنند که در آن ، دین از سیاست جدا است (بخوانید اسلام از سیاست جدا است) و بر اساس این حيله گری که هدفشان تهی کردن جوامع (اسلامی) و سلطه گری و غارتگری است ، اگر دین جامعه ای عین فرهنگ و عرف و اخلاق آن جامعه باشد ، و آن دین ، بنابر آزادی و آگاهی و خواست و رأی مردم ، در حکومت انتخابی خودش منعکس شود ، و بر این اساس ، ارزشهای دینی و انتخابی مردم اساس مملکت داری و حکومت داری قرار گیرند ، باز هم ، آن حکومت لائیک نخواهد شد .

در رابطه با حکومت دمکراتیک (مردمسالار) نیز که ناشی از لائیسیتته (عرف عمومی) و انتخاب مردم است ، همین تبلیغ و تحریف صورت گرفته است ، و خواسته اند و انمود کنند که دمکراسی و حکومت دمکراتیک تنها در سایه فرهنگ عرف و اخلاق استعمارگران و امپریالیستها و اسلام ستیزی ، قابل بحث و بررسی است ، و جهت زمینه سازی برای دمکراسی! قبل از هر چیز باید دین اسلام و ارزشهای اسلامی را از جامعه پاکسازی کرد تا بتوان به دمکراسی و حکومت دمکراتیک رسید! و به جای اینکه اعلام کنند که باید جوامع اسلامی را سرکوب و متلاشی و منزوی کرد ، جهت حيله گری و اغفال توده ها ، اعلام می کنند که باید مکتب اسلام را از صحنه سیاست و اجتماع خارج کرد!! .

حکومت دمکراتیک (مردمی) عبارت است از حکومت انتخابی مردم ، که بر اساس آزادی و آگاهی بوسیله ((حذف و مهار)) وسیع و مکارانه واقعیات جهانی و بین المللی ، وظیفه تعیین و خط کشی میدهد ، و با کمال تأسف ، در زمانه ما کمتر کسی است که فکر و سخن و موضعش ، متأثر و یا ناشی از امپریالیسم خبری نباشد . و همین است که اکثر علم و آگاهی امروزی ، جادوگری استعمار علم و آگاهی بشریت را به عهده گرفته و جوامع بشری را در جهت تسلیم و بردگی بیشتر سوق و امپریالیست بیش نیست ، و جادوگری و دجالگری ، تنها راه تکمیل و ارضای روح انحصار طلب و غارتگرانه استعمار و امپریالیسم است .

و شراکت توده ها و بوسیله آراء و انتخاب آنها تشکیل میشود و فرهنگ و عرف و اخلاق جامعه

در آن منعکس می‌گردد و بر اساس عقاید و خواسته‌های اجتماعی قانونگذاری میکند و آن قوانین را بعنوان مظهر خواست مردم به اجرا می‌گذارد. (۲۳)

لیکن علیرغم این واقعیتها، استعمارگران و امپریالیستها و مستبدین دست نشانده، شکل و محتوای حکومت‌های تبعیض و استثمار سرمایه داری (همچنین در گذشته نظام‌های استبدادی و انسان ستیز کمونیستی) را که در آن فرهنگ و عرف و اخلاق استعمارگران و امپریالیستها منعکس شده و قوانین آن ناشی از عقاید و خواسته‌های انحصارطلبان و سرمایه داران مادی و ماکیاولی است، بعنوان حکومت‌های دمکراتیک!! تبلیغ و معرفی میکنند و هرگاه شکل و محتوای حکومت‌ها در کشورهای دیگر با جهت گیری استعماری و امپریالیستی تکرار شود و لو از طریق کودتا و دخالت‌های مکارانه، آن حکومت‌ها دمکراتیک هستند!! و در غیر اینصورت هیچ جامعه‌ای حکومت دمکراتیک نخواهد داشت و لو به اتفاق آراء مردم باشد.

این بیانات استعماری و امپریالیستی و مکارانه در حالی بیان میشود که صاحبانشان از همه بهتر آگاهند بر اینکه اگر حکومت‌های سرمایه داری و سرمایه داران، دمکراتیک هم باشند، هر یک از آنها، صرفاً برای کشور خود دمکراتیک و مظهر خواست مردم است و تکرار آنها برای دیگر کشورها و جوامع، بنابر تعریف دمکراسی، تحمیلی و استبدادی است.

اگر بیانات و حيله‌های استعماری و امپریالیستی را در رابطه با لائیسیتة و دمکراسی قبول کنیم لائیسیتة و دمکراسی در همه کشورهای و جوامع بدین صورت خواهد بود:

نظام لائیسیتة یعنی نظامیکه بر اساس عرف و اخلاق استعمارگران و امپریالیستها بنا شده باشد و شکل و محتوای نظام‌های سرمایه داری غربی در آن محفوظ گردد.

و حکومت دمکراتیک یعنی حکومتی که بر اساس خواسته‌ها و منافع استعمارگران و امپریالیستها بنا شده باشد و قوانین و جهت گیری آن مأخوذ از نظام‌های سرمایه داری غربی باشد.

پس در صورتیکه فرهنگ و عرف و اخلاق استعمارگران و امپریالیستها و آداب و رسوم و عاداتشان در جوامع دیگر تکرار شد و حاکمیت پیدا کرد و عقاید و خواسته‌های استعماری و امپریالیستی اساس قوانین کشوری و حکومتی قرار گرفت، آن نظام و حکومت، لائیک و دمکراتیک خواهد بود و گرنه فاقد مشروعیت و ناقض حقوق بشر است و هر اقدامی علیه آن از جمله کودتا، محاصره اقتصاد، ایجاد جنگ‌های داخلی و دیگر توطئه‌های مکارانه برای سرنگونی آن مجاز می‌گردد!! و در لیست کشورهای ((خطرناک و آدم کش = تروریستی)) (۲۴) قرار می‌گیرد.

و اکنون کار به جایی رسیده که لائیسیتة (به مفهوم استعماری و امپریالیستی آن)، عملاً در مقابل دمکراسی (خواست و رأی ملت‌ها) ایستاده و در تضاد با آن قرار گرفته است. و لائیسیتة و دمکراسی استعماری و امپریالیستی، مانند سلاح و مهماتش میباشد که اگر برای آنها پول آور و ثروت آفرین است، برای کشورهای تحت سلطه و غارت شده، ویرانگر و کشنده است.

---

(۲۲) استعمارگران و امپریالیستها و مأمورانشان، این تحریفات و توطئه‌ها را نسبت به سایر کلمات هم روا داشته اند و بدین وسیله زمینه پذیرش طرح‌های استعماری و امپریالیستی را در

مفهومات کلیدی فراهم میکنند ، و از اینها خطرناکتر ، تحریفاتی است که در اصطلاحات اسلامی داده اند و حتی می‌خواهند جوامع اسلامی بر اساس تفهیم و تلقین استعماری و امپریالیستی به اسلام و مفهومات اسلامی نگاه کنند تا بدین شیوه اسلام و مسلمین را در جهت اهداف خود قرار دهند .

(۲۳) فرهنگ و تمدن غربی ، فرهنگ و تمدن ثنویت است : دینش الهی و انسانی و شرقی ، ولی عرف و اخلاقش مادی و نژادی و اروپایی است . در مقابل ، فرهنگ و تمدن اسلامی ، فرهنگ و تمدن توحیدی است : دینش الهی و انسانی ، و عرف و اخلاقش نیز الهی و انسانی است ، و همین ویژگی است که علیرغم طرحها و کوششهای چند قرنۀ استعمار و امپریالیسم در جهت اختلال فرهنگ و تمدن توحیدی اسلام و زدودن آن از جوامع اسلامی ، فرهنگ و تمدن توحیدی اسلام ، پا برجا و در حال گسترش است و همه توطئه‌ها ناکام مانده اند .

(۲۴) تروریسم روشی است مبنی بر وحشت‌آفرینی ، بوسیله تهدیدات ، و جنگ و خونریزی ، و محاصره اقتصادی ، و اعدام و کشتار مخالفین ، و زندان و شکنجه ، و غارت و چپاول ، و آواره کردن ، و ویرانگری و .... ، و تروریست کسی است که بدین روش می‌رود و مرتکب این اعمال میگردد . بدیهی است که استعمار و استبداد ، « امهات » ترور و تروریسم هستند ، و از طریق ارتکاب عملکرد ضد بشری و بوسیله سلاحهای مخرب ( متعارف ، شیمیایی ، اتمی ، ابزار شکنجه و ... ) ، و اشغال کشورها ، و کشتار انسانها ، و غارت کشورها ، و ایجاد سازمانهای مخفی و جاسوسی ، و تعقیب و قتل مخالفان سیاسی و .... ، جهان را در اضطراب و وحشت فرو برده اند ، و اصلاً استعمار و استبداد ، بوسیله وحشتی که در قلب و روح توده‌ها ایجاد کرده‌اند بر جهان حکومت میکنند ، و با وجود این ، استعمار و استبداد ، آزادیخواهان و حرکات و مبارزات رهایی بخش را به تروریست ( وحشت‌آفرین ) متهم میکنند!! ، زهی بی‌حیایی!!

نقد مطالب گذشته